

پدیده معنویت انحرافی و چگونگی برون رفت از آن^۱

(از منظر قرآن و حدیث)

سیدمیر صالح حسینی جبلی^۲

چکیده

معنویت گرایی انحرافی، از جمله مباحثی است که در فلسفه دین مطرح می شود و به معنای اختلال در رفتارهای معنوی انسان است که در قالب های مختلف عرفانی، عبادی، و حتی ورزشی نمایان می شود. بررسی ریشه های اعتقادی این انحراف، از مطالعات بین رشته ای محسوب می گردد و عوامل گوناگونی همانند اعتقادات فردی و محیط اجتماعی در بروز آن دخالت دارند. مؤلف در این پژوهش درصدد است عوامل تأثیرگذار در معنویت گرایی انحرافی و چگونگی برون رفت از آن را کاوش کند. این مهم با روش توصیفی و تحلیل ثانوی کیفی بر داده های نقلی که برگرفته از قرآن و حدیث است، انجام می شود. یافته ها حاکی از آن است که آگاهی بخشی و تقویت اعتقادات مذهبی و نیز روی گردانی از شیاطین و توجه به فطرت انسانی، و از سوی دیگر، نظارت بر محیط خانوادگی، آموزشی و گروه های دوستی، از راهکارهای برون رفت از عرصه معنویت انحرافی خواهند بود. نوآوری این جستار، ارائه الگویی از قرآن و حدیث است تا به نظریه اسلامی نوینی در مواجهه با پدیده معنویت انحرافی، نزدیک شویم. همچنین مدلی از آمیختگی بین تبیین های نظری با متدولوژی اسلامی ارائه می گردد که نشان از تلفیق علم و وحی است.

واژگان کلیدی: معنویت، معنویت انحرافی، برون رفت از معنویت انحرافی، معنویت انحرافی از منظر قرآن و حدیث.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۴ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

۲. عضو هیات علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه: hossini-mir@yahoo.com

مقدمه

اهمیت معنویت در زندگی انسان به گونه‌ای است که متکلمین زیادی درباره وجود گرایش‌های درونی انسان به رفتارهای معنوی عبادی، توحید و یکتاپرستی اشاره کرده‌اند.^۱ فیلسوفان نیز انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی دانسته و بر اهمیت بیماری‌های روحی در انسان تأکید کرده‌اند.^۲ در یک نظرسنجی از بیش از دویست بیمار بستری‌شده در بیمارستان، ۷۷ درصد آنان اظهار داشتند که پزشکان باید نیازهای معنوی بیماران را در نظر بگیرند؛ ۳۷ درصد می‌خواستند که پزشکان به دفعات بیشتری درباره عقاید معنوی با آنان سخن بگویند و ۴۸ درصد می‌خواستند که پزشکان همراه آن‌ها دعا کنند، King & Thomas, (1994, p. 631-636).؛ اما همیشه در جامعه افرادی هستند که با استفاده ابزاری از معنویت، به دنبال کسب درآمد و منزلت اجتماعی برای خود هستند. آن‌ها از طریق ریاضت باطل و شیطان‌محوری و تسخیر موجودات متافیزیکی، به امور معنوی می‌پردازند و کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند و در جامعه به عنوان الگوی مرجع ایفای نقش می‌کنند. این افراد رفته‌رفته با سوءاستفاده از ناآگاهی توده‌های اجتماعی، اعمال خود را گسترش می‌دهند، رفتار انحرافی به‌ظاهر معنوی خود را تبلیغ می‌کنند و گرایش به عرفان‌های کاذب

۱. جهت مطالعه استاد به کتب زیر مراجعه نمایید: سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۳) بحوث فی الملل و النحل، خلاصه کننده علی ربانی گلپایگانی، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی ص ۲۵؛ قاضی عبدالجبار بن احمد (۲۰۰۱م) شرح الاصول الخمسه، مصحح ابن ابی‌هاشم، احمد، نشر دار احیاء التراث العربی، ص ۱۸۶؛ مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲) اوائل المقالات، مصحح ابراهیم، انصاری زنجانی و دیگران، دار المفید، ص ۲۰۱؛ استرآبادی، محمد جعفر بن سیف الدین (۱۳۸۲) البراهین القاطعه فی شرح تجرید العقائد الساطعه [نصیرالدین طوسی] بوستان کتاب قم (مکتب الاعلام الاسلامی الحوزه العلمیه بقم) ص ۷۹

۲. جهت مطالعه استاد به کتب زیر مراجعه نمایید: مصباح، محمد تقی (۱۳۷۵) شرح اسفار [محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، قم، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۶) شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا نمط سوم (فی النفس) مصحح، جواد فاضل بخشایشی، نشر، آیت اشراق ص ۶۷؛ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸) شرح حکمت متعالیه: اسفار اربعه نشر الزهراء (ع)؛ طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۳) الرسائل التوحیدیه دفتر انتشارات اسلامی، نشر دفتر انتشارات اسلامی ص ۱۲۳

را ترویج می‌دهند. مردم نیز به دلیل گرایش فطری به امور معنوی و تشکیک مصداقی منحرفین، در دام معنویت انحرافی گرفتار می‌شوند. از این رو نیازمند بررسی عوامل مؤثر در پیدایش این رفتار خواهیم بود.

در این باره کمتر پژوهشی صورت گرفته است که راهکارهای برگرفته از قرآن و حدیث را نشان دهد. حمیدرضا مظاهری سیف در مقاله «تبیین و کالبدشکافی پدیده عرفان‌های نوظهور»، به دلایل شیوع عرفان‌های کاذب پرداخته است و مریم شیخ قمی در مقاله «رشد معنوی انسان از منظر قرآن و حدیث»، بیشتر به دنبال تبیین رابطه درست معنوی بین فرد و جامعه بوده و موانع رشد معنوی را واکاوی کرده است. در مقالاتی نیز به وجوه تمایز عرفان اسلامی با سایر عرفان‌ها، شمارش و رصد فرقه‌های انحرافی در کشورهای مختلف، و به عوامل و موانع معنویت پرداخته شده است. در نهایت محمدجواد رودگر در مقاله «معنویت‌گرایی در قرآن»، مبانی، اصول و مؤلفه‌های معنویت‌گرایی را از منظر قرآن و حدیث تبیین کرده است. در این پیشینه، عوامل و راه‌های مواجهه با معنویت انحرافی از منظر دینی وجود ندارد که مؤلف این پژوهش در صدد تبیین این موضوع است.

از این رو ضروری است از معنویت انحرافی که در حقیقت در اختلالات فکری و اعتقادی ریشه دارد و نوعی شکستن قواعد و هنجارها و الگوهای معنوی است که در شریعت بیان شده است، پرده برداشت و از بروز انحراف معنوی جلوگیری کرد.

سؤال این است که اولاً عوامل مؤثر بر معنویت انحرافی چیست؟ ثانیاً چگونه می‌توان از پدیده‌های معنوی و عرفانی انحرافی رهایی یافت؟

در این پژوهش پس از بیان گونه‌های مختلف معنویت‌خواهی، به عوامل تأثیرگذار بر آن و در نهایت به عوامل درونی و بیرونی جهت کنترل معنویت انحرافی اشاره می‌شود.

مفاهیم کاربردی پژوهش

ابتدا دو مفهوم کاربردی در این پژوهش، یعنی «انحراف» و «معنویت» را تبیین می‌کنیم. انحراف به معنای زیر پا گذاشتن قواعد، هنجارها و الگوهای رفتار است که برخی افراد



انجام می‌دهند (فرهت قائم‌مقامی، بی‌تا، ص ۷۱ - ۷۲) و با توجه به فراوانی افراد، به انحراف فردی یا گروهی تقسیم شود (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۳۴). از این رو هر نوع رفتار معنوی که با هنجارها (Giddens, 1999, p.42) یا مقررات اجتماعی جامعه اسلامی هم‌نوایی نداشته باشد (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ص ۳۸) یا به تعبیر اریکسون یک انحراف عملی باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵) می‌تواند معنویت‌خواهی منحرفانه تلقی شود. منحرف شدن از راه درست معنوی جامعه و سرپیچی از مسیرهای تعیین‌شده در حیات اجتماعی و تطابق نداشتن با مدل‌های رفتاری و هنجارهای دینی، سبب کنترل‌ناپذیری رفتارهای اجتماعی در عرصه معنویت می‌شود (گلابی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶). بنابراین رفتارهایی که با ارزش‌های معنویت‌خواهی جامعه منطبق نباشد و با عکس‌العمل‌های اجتماعی مواجه شود، معنویت انحرافی نامیده شده است.

مفهوم دیگر این پژوهش، «معنویت» است. معنویت حقیقی، همان معنویتی است که از طریق وحی به پیامبر خدا ﷺ برای بشر نازل شده؛ قرآن کریم می‌فرماید: «این کتاب شکی در آن نیست؛ راهنمای پرهیزکاران است؛ همان کسانی که به غیب ایمان می‌آورند، نماز می‌خوانند و از اموالشان انفاق می‌کنند» (بقره: ۲ و ۳). این معنویت با ائمه معصومین (علیهم‌السلام) رشد یافت و پاداش آن، حیات طیبه خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد» (نحل: ۹۷).

علامه طباطبایی درباره «حیات طیبه» می‌نویسند:

«مراد از احیا، بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان باایمانی را که عمل شایسته و صالح انجام می‌دهد، با زندگی جدیدی اکرام می‌کند که غیر از زندگی معمول مردم است و آثار زندگی حقیقی، علم و قدرت را با زندگی جدید همراه و همگام می‌کند و این درک جدید و قدرت، باعث می‌گردد چنین فرد مؤمنی چیزها را چنان ببیند که هستند؛ یعنی می‌تواند امور و اشیا را به دو قسم حق و باطل تقسیم کند. سپس با قلب و روحش به امور باطل پشت می‌کند که

در معرض فنا و زوال هستند که همان زندگی و حیات دنیوی است؛ و دل به زینت‌ها و مظاهر فریبنده دنیا نمی‌بندد و چون از بند این تعلقات دنیوی و ظواهر گول‌زننده آن رها شد، شیطان نمی‌تواند او را خوار و ذلیل خود کند و در بند خود گرفتار آورد. در مقابل، قلب و روحش به پروردگار باقی و جاوید، مرتبط و پیوسته می‌گردد و جز ذات پاک او و قرب و جوار او را طلب نمی‌کند و جز از خشم و دوری وی از چیزی هراس ندارد و در این هنگام برای خود زندگی پاک و جاودانه و بی‌زوال مشاهده می‌کند که کارگردان این زندگی و مدبر امور آن، پروردگار بخشنده و مهربان است و در سراسر این زندگی معنوی و پاک، جز زیبایی و جمال چیزی مشاهده نمی‌کند و تنها اموری را زشت و ناپسند می‌شمرد که خداوند آن‌ها را قبیح و زشت شمرده. این چنین انسانی چنان نور و کمال و قدرت و عزت و لذت و شادمانی در زندگی خود می‌یابد و مشاهده می‌کند که پایان و انتهایی ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۲).

از منظر قرآن کریم، معنویت چنان با جان و هستی آدمی آمیخته است که غفلت از آن، گویی با خدا فراموشی گره خورده و نکته اینجاست که انسان با نسیان حق، خود را از یاد می‌برد و از دست می‌دهد. هدف از معنویت اسلامی، تنها دستیابی به نیروهای خارق‌العاده و وضعیت‌های مطلوب روانی نیست، بلکه حقیقتی متعالی و فراتر از تمام نمودهای هستی را ارائه می‌دهد و به همه هستی معنایی خاص می‌بخشد. اعتقاد به وجود حقیقی که دارای خیر مطلق و کمال نامحدود و سرچشمه بی‌پایان رحمت و زیبایی و بی‌نیازی است، به هستی و حیات، شکوه و معنا می‌بخشد.

ویژگی معنویت اسلامی انسان‌باوری است. معنویت اسلامی، انسان را شایسته رسیدن به قرب الهی می‌داند و او را بی‌واسطه در رابطه با خداوند، دارای استعداد خلافت الهی و تجلی اسما و صفات الهی معرفی می‌کند. به همین دلیل، راه به‌سوی خدا برای او بسیار نزدیک است (مظاهری‌سیف، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).

بنابراین مراد از معنویت، ایمان به خدا و قرب الی الله است که با اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ



و اولی الامر به دست می‌آید. البته این نحوه ایمان به خدای سبحان که در قرآن کریم بیان شده است، با آنچه در ایمان مسیحی گفته می‌شود، متفاوت است؛ زیرا در ایمان مسیحی عقل و اعتقادات عقلی به کار نمی‌رود و عقل در آن جایگاهی ندارد و بین عقل و ایمان تعارض است (پترسون و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۷۸)؛ در حالی که در معنویت اسلامی، انسان با نگاه عقلانی و حکم عقلی به سراغ وحی و ایمان به خدای سبحان می‌رود.

معنویت‌خواهی از رفتارهای دینی محسوب می‌شود که هم می‌تواند مثبت باشد و هم می‌تواند از نگاه اسلامی منفی تلقی گردد. معنویت مثبت همان است که در ادیان گوناگون الهی به وفور وجود دارد و از طریق وحی و تقوای الهی به وجود می‌آید و در ایمان به پیامبران الهی است؛ ولی معنویت مذموم، رسیدن به معنویت از طریق شیطان است که در ادیان غیرابراهیمی مشاهده می‌شود؛ ریاضت‌های هندویی، بودایی و شیطان‌پرستی از این نوع شمرده می‌شود. کوئینگ معتقد است معنویت، جست‌وجو و مطالعه شخصی برای درک و فهم پاسخ پرسش‌هایی درباره زندگی، معنا، و ارتباط با نیروی مقدس یا متعالی است که ممکن است به رشد آیین‌های مذهبی جامعه منجر شود. (Koenig, 2011, p. 193–206)

معنویت‌گرایی غیراسلامی آن است که انحرافات معنویت‌خواهی فرد یا گروه، از نظام ارزش‌های الهی و مثبت جامعه اسلامی تجاوز کند و ارزش‌ها و هنجارهایی پست و عقب‌مانده به وجود آورد.

از نگاه جامعه‌شناسان مسلمان (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶) ممکن است فردی که هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارد، درصدد باشد نوعی هنجار منفی را در جامعه به عنوان یک رفتار مثبت گسترش دهد. چنین فردی، کژرفتار شمرده می‌شود و به تعبیر قرآن کریم (نساء: ۱۴۲ و بقره: ۲۰۵) رفتار منافقانه و ریاکارانه خواهد داشت؛ اما در صورتی که آن فرد به دنبال جایگزینی هنجار و ارزشی بهتر و والاتر نسبت به ارزش‌های معنوی دروغین موجود باشد، دارای رفتار معنویتی مثبت است. بنابراین معنویت مثبت، از طریق تقوا و ایمان الهی به وجود می‌آید و آنچه مذموم است، رسیدن به معنویت از طریق شیطان و مانند آن است. باید توجه داشت که معنویت از ریشه‌های معنا اخذ شده است، اما با معنا تفاوت‌هایی نیز

دارد. وبر معتقد است «معنا چیزی است که به طور ذهنی قصد شده است» (وینچ، ۱۳۸۶، ص ۴۹) و نیز می گوید مفهوم رفتار معنادار با مفاهیمی چون انگیزه و دلیل، پیوند استواری دارند. انگیزه یعنی ترکیب معنادار شرایطی که برای عامل یا ناظر، به عنوان دلیل معنادار برای رفتار، نمودار می شود (همان، ص ۴۷). البته وینچ معتقد است مقوله رفتار معنادار شامل اعمالی نیز می شود که عامل برای آن ها اصلاً دلیل یا انگیزه ای در قالب هیچ کدام از معانی مورد بحث ندارد. از این رو عمل معنادار عملی است که به صورت نمادین، اعمال دیگر را همراهی می کند؛ به این معنا که عامل عمل را متعهد می کند در آینده، کاری را به یک صورت خاص و نه به صورت دیگر انجام دهد (همان، ص ۵۱). معنا در این نگاه می تواند شامل تصورات ذهنی انسان گردد و هیچ اثری برای تلاش های انسان مترتب نباشد یا تنها انگیزه های فردی باشد که با توجه به وضع موجود انتخاب می کند. شهید مطهری معتقد است اسلام معنا را در ماده، باطن را در ظاهر، آخرت را در دنیا، و بالاخره مغز را در پوست، و هسته را در پوسته نگهداری می کند (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۱).

بنابراین معنا از نگاه اسلامی تنها به ظاهر و دنیا ختم نمی شود، بلکه در پرتو این ظاهر، باطنی نیز قرار دارد که رفتار معنادار انسان را شکل می دهد. معنویت اسلامی نیز در این ساحت، به صورت حیات طیبه معنا پیدا می کند.

در این پژوهش، معنویت انحرافی نیز به مجموعه رفتارهایی اطلاق شده است که منطبق با انتظارات، هنجارها و ارزش های معنوی جامعه نباشد و چالش هایی را برای معنویت خواهی جامعه به وجود آورد. این چالش ها به نگرش های سرزنش آمیز و عکس العمل های منفی اجتماعی منجر خواهد شد و جامعه را در معرض بحران معنویت قرار خواهد داد.

عوامل مؤثر بر معنویت انحرافی

الف) ضعف ایمان و اعتقادات دینی

از جمله انحرافات که در عقاید فرد ایجاد می شود، اختلال در تفکر اعتقادی و اندیشه دینی است. در بستر این اختلال، واقعیت ها اشتباه گرفته می شود و رفتارهایی از فرد سر می زند که



به ظاهر معنوی است. این اختلال در واقع ناشی از یک تفکر انحرافی در فهم آنان است. قرآن کریم می‌فرماید: «به‌یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌هایی (عقل‌هایی) دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند)» (اعراف: ۱۷۹)؛ «بدترین جن‌بندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند» (انفال: ۲۲)؛ «[ولی تنها] عده کمی از آن‌ها با ایمان‌اند و بیشتر آن‌ها فاسق‌اند [و خارج از اطاعت پروردگار]» (آل عمران: ۱۱۰).

این آیات نشان می‌دهد که اکثر مردم، مبتلا به نوعی از انحراف هستند؛ مثلاً نماز را با دستوری که در شریعت اسلامی آمده اقامه نمی‌کند، بلکه به ذکر و یاد خدا اکتفا می‌کند و معتقد است فقط یاد خدا کافی است و عبادت است و نماز خواندن با ارکان مخصوص آن واجب نیست. چنین فردی با اختلالی که در تفکرش برای او ایجاد می‌شود، نماز را عملاً از رفتارهای عبادی خود حذف می‌کند و با این انحراف فکری، مرتکب بسیاری از محرمات الهی هم می‌شود: «آن‌ها هنگامی که [اذان می‌گویند و مردم را] به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آن‌ها جمعی نابخردند» (مائده: ۵۸). اعتقادات و عقاید، از هنجارهای دینی است که معین و مشخص می‌کند چه کاری درست است و باید انجام شود و چه کاری غلط است و نباید مرتکب آن شد. انحراف در عقاید و توسل به معنویت‌های دروغین که نوعی پرستش غیر خداست، می‌تواند جامعه را به سمت گمراهی و انحراف بیشتر سوق دهد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: بابصیرت کسی است... آن‌گاه که راه روشنی را بپیماید که در آن، از افتادن در پرتگاه‌ها به دور ماند (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۱).

در جامعه دین‌دار بسیاری از ارزش‌ها به دلیل اعتقادات مذهبی مردم تبلیغ می‌شود و افراد جامعه تلاش می‌کنند خود را با آن منطبق سازند. مکانیزم‌هایی در دین وجود دارد که با ایجاد خوف از مجازات و عذاب الهی یا مژده پاداش به افرادی که هنجارهای دینی را رعایت می‌کنند، می‌تواند به تثبیت ارزش‌های دینی در فرد کمک کند. قرآن کریم می‌فرماید کسانی که ایمان دارند، همانند پیامبران رفتار می‌کنند و دین‌داری، عاملی در تثبیت رفتارهای

اخلاقی و ایمانی فرد است؛ چنان که در سوره فتح می فرماید: «محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند، در برابر کفار، سرسخت و شدید، و در میان خود، مهربان اند؛ پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می بینی...» (فتح: ۲۹).

از منظر قرآنی کسانی که دین دار نیستند، نمی توانند ارزش های دینی را در خود نهادینه کنند. اینان همان افرادی هستند که به معنویت انحرافی در جامعه دینی دست می زنند. «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [بد]شان را برای آنان زینت می دهیم؛ به طوری که سرگردان می شوند» (نمل: ۴). بنابراین شرک به خدا، انکار حق پیامبر ﷺ و اهل البیت ﷺ، ریشه اصلی بسیاری از معنویت های انحرافی در جامعه اسلامی است؛ زیرا مرتکب آن در حقیقت، اعتقادی به خدا و پیامبرش ندارد و هر عملی را برای خود مباح می داند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: خوشبخت ترین مردم کسی است که... به وسیله ما به خدا نزدیک شود... و به آنچه ما بدان فرا خواندیم، عمل کند و از آنچه ما نهی کردیم، دست بردارد؛ چنین کسی از ما و در سرای بهشت با ماست (تمیمی آمدی ۱۳۸۶، ج ۳-۴، حدیث ۳۱۰۰). انسانی که ایمانش ضعیف، یا در اعتقادات دچار اختلال گردد، دست به اعمالی خواهد زد که از دیدگاه های اسلامی انحراف تلقی می شود؛ مثلاً برخی از مذاهب دینی معتقدند زیارت اهل قبور و توسل به اولیای الهی، شرک است؛ در حالی که پیامبر خدا فرمود: «شفاعت من شامل آن کسی از اتمم می شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد» (المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، حدیث ۳۹۰۵۷). امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است..» (مریم / ۸۷)، فرمود: «مگر کسانی که به ولایت امیرالمؤمنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند و این همان پیمانی است که به خدا دارند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۹). بنابراین کج فهمی در موضوعات دینی و اعتقادات سبب شکل گیری یک تفکر انحرافی می شود. به دنبال این اختلال اعتقادی، رفتارهای معنوی انسان تحت تأثیر قرار می گیرد و به معنویتی روی می آورد که با اندیشه دینی سازگاری ندارد.



ب) سرشت انسانی یا محیط انحرافی

در بررسی آموزه‌های دینی درباره عوامل تأثیرگذار بر انحرافات معنوی، به دو دسته از آیات و روایات برمی‌خوریم. در برخی از روایات، بر اهمیت وراثت و نقش آن در شکل‌دهی شخصیت تأکید شده است؛ مثلاً امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نیکویی اخلاق دلیل پاکی و فضیلت خانوادگی است» (رحیمی، ۱۳۷۹، ص ۹۵ و تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴). همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خداوند متعال هنگامی که می‌خواهد انسان را بیافریند، همه صورت‌های بین او [(صورت‌های گوناگون او)] و حضرت آدم را جمع می‌کند؛ سپس او را به صورت یکی از آنها می‌آفریند. بنابراین هیچ کدام از شما نباید درباره فرزندش بگوید این فرزند من به هیچ‌یک از پدرانم شباهت ندارد» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۰ و ج ۷۵، ص ۳۴۰). و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا خون [و ذات فرد] اثر دارد» (ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۵۶۳) و «سعادت‌مند کسی است که سعادت او در شکم مادرش پایه‌گذاری شده و بدبخت کسی است که شقاوت او در شکم مادرش پایه‌گذاری شده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۰ و ج ۷۷، ص ۱۱۵). طبق این روایت اخیر، سعادت و شقاوت فرد از مرحله‌ای که در رحم مادر قرار دارد، تعیین می‌شود. فرزندان در رحم مادر، مجموعه صفات ظاهری و معنوی را از پدر و مادر و یا به واسطه عامل ارثی، از اجداد و نیاکان دوردست خویش اخذ می‌کنند و ده‌ها عامل گوناگون وراثت می‌تواند در آن‌ها تأثیرات اندک و بسیار و همچنین مفید یا مضر داشته باشد. اگر همه آن عوامل خوب و پسندیده و نتیجه‌بخش باشد، کودک در شکم مادر، خوشبخت و سعادت‌مند خواهد شد و اگر همه یا بعضی از آن عوامل بد یا پلید باشد، باید گفت به همان نسبت، کودک شقی و بدبخت می‌شود (فلسفی، ۱۳۴۸، ص ۸۰).

در برخی از آیات نیز به عوامل محیطی اشاره شده است که می‌تواند فرد را به سمت انحراف سوق دهد. منظور از محیط، تمام عوامل خارجی است که از آغاز رشد، بر او تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، محیط عبارت است از هر امری که انسان را احاطه کرده است. پس محیط‌های تأثیرگذار بر انسان با فرایند رشد وی دارای وسعت بیشتری می‌شوند (باقری آستانی، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

ج) ناآگاهی و اختلال در اندیشه

یکی از عوامل مهم بروز معنویت انحرافی که قرآن کریم بیان کرده است، جهل در شناخت خدا و ارزش‌های الهی است. این ناآگاهی، فرد را به سمت ناهنجاری سوق می‌دهد و در



رفتارهای معنوی او در جامعه اختلال ایجاد می‌کند. چنین افرادی نمی‌توانند مسیر درست زندگی اجتماعی را تشخیص دهند و در ورطه انحراف اعتقادی، فکری و اجتماعی خواهند افتاد. کنار زدن عقل و تفکر درباره مسیری که نظام و حیانی برای زندگی اجتماعی تعیین کرده، فرد را به نوعی بیماری اعتقادی مبتلا می‌گرداند که از منظر قرآنی اختلال در اندیشه نامیده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «به‌یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آن‌ها دل‌ها [عقل‌هایی] دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آن‌ها همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند)» (اعراف: ۱۷۹).

باید توجه داشت کسانی که جاهل هستند، بیشتر در معرض انحراف قرار می‌گیرند. کسی که به عالم هستی علم و آگاهی دارد، مثل پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام)، مرتکب انحراف نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «[لوط (علیه‌السلام) خطاب به قومش فرمود: آیا شما به جای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید!]» (نمل: ۵۵)؛ یعنی نادانی و جهل، قوم لوط را به سمت انحراف کشاند.

بنابراین ناآگاهی و جهل، در اندیشه فرد درباره دنیا و آخرت، اختلال ایجاد می‌کند و باعث می‌شود رابطه دنیا و آخرت را نادیده انگارد و زندگی دنیوی را هدف قرار دهد و برای کسب درآمد و ثروت، از معنویت استفاده ابزاری کند.

(د) نفوذ شیطان

شیاطین تلاش می‌کنند با نفوذ در انسان، او را به انحراف از ارزش‌های الهی دعوت کنند. از آنجاکه یکی از گرایش‌های درونی انسان، رفتارهای معنوی است و این تمایل به‌صورت فطری در انسان وجود دارد، شیاطین نیز با منحرف کردن این نیروی فطری در انسان و جهت‌دهی معنویت به سوی پرستش «خود» به جای «خدا»، بندگان را به دام می‌اندازند. نمونه آن، خواهش‌های نفسانی و القائات شیطان در گرایش به معنویت‌های کاذب است. در این مرحله انسان تنوع‌طلب تصور می‌کند که از طریق معنویت انحرافی به خدا نزدیک خواهد شد؛ درحالی‌که با معنویت انحرافی، راه گمراهی را در پیش گرفته است. او می‌خواهد انسانی

معنوی باشد، ولی مصداق آن را اشتباه گرفته است و شیاطین او را به گمراهی انداخته‌اند. او می‌خواهد تنوعی به اعمال معنوی خودش بدهد، ولی به خطا رفته و گرفتار شیطان شده است. (موریارتی، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

شیطان در این خصوص قسم یاد کرده است که تمام بندگان خدا را به انحراف از دستورات الهی بکشاند، مگر بندگان خالص خدا را که توان نفوذ در آن‌ها را ندارد: «و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلص را» (حجر: ۳۹ و ۴۰).

شیطان به دنبال تهییج رفتارهایی در انسان است که خدای سبحان در قرآن کریم آن‌ها را فریب شیطان دانسته است و می‌فرماید: شیطان به آن‌ها وعده‌ها [ی دروغین] می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد؛ درحالی‌که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد (نساء: ۱۲۰). این معنویت انحرافی با روح خداپرستی و فطرت بشری سازگاری ندارد. یکی از ابزارهای شیطان، دنیاپرستی است که زمینه‌های تغییرات معنوی را در انسان به وجود می‌آورد و انسان تنوع‌طلب، با دنیاپرستی و معنویت دنیاگرایانه به سمت انحراف کشانده می‌شود و از معنویت واقعی و اخروی که می‌تواند به خوشبختی نهایی او بینجامد، بازداشته می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من احب الدنيا وتولاها ابغض الآخرة وعادها... (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳)؛ کسی که علاقه‌مند به دنیا و امور مادی شد، از امور اخروی و ماورای طبیعت متنفر خواهد شد و با آن دشمنی می‌ورزد».

بنابراین یکی از عوامل انحراف معنوی انسان، نفوذ شیطان و تنوع‌طلبی دنیوی فرد در گرایش‌های نفسانی وی به معنویت است و شیطان، از طریق معنویت انحرافی تلاش می‌کند انسان‌ها را از معنویت الهی دور سازد.

ه) محیط نامناسب خانوادگی

خانواده مهم‌ترین نهادی است که شخصیت و رفتار و کردار اشخاص را پایه‌گذاری می‌کند. به دلیل الگوپذیری فرزندان از والدین، خانواده می‌تواند رفتار درست یا انحرافی را به کودک آموزش دهد. در حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: هر نوزادی به فطرت توحید متولد



می‌شود؛ آن‌گاه پدر و مادر، او را به یهودیت یا نصرانیت گرایش می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۰ و ج ۶۴، ص ۱۳۲).

از منظر اسلامی، خانواده از دو جنبه نقش اساسی دارد: از طریق وراثت، و از طریق تأثیرپذیری از عوامل اجتماعی. بنابراین خانواده باید علاوه بر رعایت عوامل مؤثر و مناسب در دوران رحمی، به عوامل محیط بیرونی نیز توجه کند و با یافتن دوستان شایسته، مدرسه مناسب، محله مناسب و همسایه مناسب، شرایط لازم را فراهم آورد. شرط موفقیت خانواده در این مسئولیت مهم، شایستگی‌های فردی و محیطی و نیز صمیمیت والدین است تا در پرتو آن، محیطی امن، آرام، پاکیزه و سالم برای فرزندان به وجود آورند (اسحاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

باید توجه داشت که گاهی دلیل انحراف معنویت‌خواهان منحرف، خانواده منحرفی است که دارند. بنابراین برقراری ارتباط با خانواده‌های صالح و باتقوا، تأثیر بسزایی در رشد درست معنوی فرزندان خواهد داشت. امام علی (علیه السلام) سفارش می‌کند که با خانواده‌های صالح روابط دوستانه برقرار کنید و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل، و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

گاهی در خانواده، فرزندان به دلیل محرومیت عاطفی به سمت بزهکاری و یا معنویت نامناسب سوق پیدا می‌کنند (سالاری فر، ۱۳۸۹، ۱۵۳). نبود روابط محکم خانوادگی بین فرزندان و والدین سبب می‌شود فرزندان مطابق میل والدین بار نیابند و رفتارهای بزهکارانه آنان، مایه تعجب والدین گردد (گنجی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶). امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «چیره‌ترین دشمن مؤمن، همسر ناشایست است» (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۹۰).؛ زیرا او نمی‌تواند فرزندان را از خطاهای معنوی بازدارد. باید به فرزندان آموزش داد و الگوی مناسبی برای آنان بود (گنجی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). نداشتن احساس مسئولیت در قبال فرزندان و صادق نبودن با آن‌ها سبب می‌شود آن‌ها از والدین خود پیروی نکنند. والدینی که به هنجارها و ارزش‌های خانواده و دین احترام نمی‌گذارند یا با یکدیگر پرخاشگری می‌کنند، سبب الگوبرداری نامناسب کودکان خواهند شد و فرزندان همان رفتارهای نامناسب را تکرار می‌کنند و مقلد خواهند بود (همان، ص ۱۵۷).

بنابراین در صورتی که خانواده نتواند به وظیفه و نقش‌های مناسب خود در زمینه تربیت مذهبی فرزندان و آموزش مسائل عبادی و دعا و رازونیا به آن‌ها بپردازد، رفته رفته معنویت‌خواهی اعضا به سمت معنویت کاذب متمایل می‌شود؛ زیرا یکی از امیال قدرتمند در انسان گرایش به پرستش و پناه بردن به نیروی فراطبیعی در محافظت از خود است. با هدایت نشدن این کشش درونی در انسان، زمینه بسیاری از امور معنوی انحرافی فراهم می‌شود.

(و) محیط نامناسب آموزشی

یکی از عوامل مهم در گرایش فرد به معنویت انحرافی، مدرسه و محیط نامناسب آموزشی است. جامعه‌ای که از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار نباشد، حتی اگر تمام مشکلات اقتصادی و معیشتی‌اش حل شده باشد، مصون از گمراهی نیست و از سعادت محروم خواهد شد. بنابراین لازم است به تعلیم و تربیت صحیح افراد جامعه اهتمام وافر داشت؛ عقاید باطل هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی را تشخیص داد و عقاید درست را آموزش داد؛ و نظام اخلاقی صحیح را در جامعه ترویج و اشاعه داد تا پیشرفت مادی و ظاهری اعضای جامعه با معنویت همراه گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۸). مدرسه از نهادهایی است که کارکرد تعلیم و تربیت دارد، علوم مناسب را فراگیر خواهد کرد و در جامعه‌پذیری افراد نقش بسزایی دارد. البته هر مدرسه‌ای کارکرد مناسب و مثبت ندارد. باید دید که کدام مدرسه و چه افرادی در آن، به تعلیم و تربیت مشغول هستند. بنگرد که علمی که فرامی‌گیرد، از چه کسی فرامی‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۰).

نباید از نظر دور داشت که معلمان و مدرسه، بر شیوه رفتار دانش‌آموزان و ادراک و احساسات آن‌ها به خود، اثر بسیار مستحکمی به جا خواهند گذاشت. برخی از مربیان تعلیم و تربیت معتقدند اکثر دشواری‌های رفتاری دانش‌آموزان را می‌توان در کلاس و مدرسه حل کرد. معلمان شایستگی دارند که از بروز طیف وسیعی از رفتارهای ناسازگار جلوگیری کنند یا آن‌ها را تغییر دهند (گنجی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵).



دانشمندان مسلمان نیز انسان‌های پاک و دلسوزی هستند که در برابر کجی‌ها و زشتی‌ها نمی‌توانند بی‌توجه بمانند؛ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: نافرمانی از دستور نصیحت‌کننده مهربان، عالم دانا و باتجربه، باعث پشیمانی و اندوه ناگوار خواهد شد (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۵)

مدرسه و معلم در مواجهه با معنویت انحرافی، می‌توانند با پاسخ دادن به اشکالات و شبهه‌های دانش‌آموزان در زمینه معنویت‌خواهی، تبیین معنویت اسلامی به وسیله استدلال کردن، و بحث و بررسی درباره شبهات عرفان‌های کاذب، جامعه را از آسیب‌های معنویت انحرافی نجات بخشند؛ چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: در جلسات درس دانشمندان و اساتید زیاد به گفت‌وگو بنشین و با حکما و اندیشمندان نیز بسیار بحث و بررسی کن که این کار، وضع کشور را اصلاح می‌کند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲)

بنابراین گاهی فرد در خانواده خوبی متولد می‌شود، ولی در محیط‌های دیگر اجتماعی همانند مدرسه و دانشگاه نامناسب به انحراف کشیده می‌شود. از این رو باید ابتدا به سلامت محیط‌های آموزشی توجه کرد و سپس به تحصیل دانش پرداخت. محیط آموزشی می‌تواند زمینه‌های مناسب تربیت معنوی صحیح افراد را فراهم کند، اندیشه و عقاید صحیح را آموزش دهد و از انحرافات معنویت‌خواهی فراگیران جلوگیری کند.

ز) گروه‌های دوستی و محیط‌های نامناسب دوستانه

از دیگر عوامل معنویت انحرافی، محیط‌های نامناسب دوستی است. محیط‌های دوستی می‌تواند شامل باشگاه، کافی‌نت، فضای مجازی و مانند آن باشد. بسیاری از ارزش‌های اجتماعی توسط همسالانی که با هم رفیق هستند، جابه‌جا می‌شود. افراد با تأثیرپذیری از گروه‌های دوستی، عقاید، هنجارها و ارزش‌های دوستان را در خود درونی کرده، رفتارهایشان را طبق گروه‌های مرجع دوستی تنظیم می‌کنند و در فرایند این تعاملات، جامعه‌پذیر می‌شوند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: انسان بر دین و آیین دوست و همنشین خود است (عاملی، ۱۴۳۲، ج ۴، ص ۲۰۷ و کلینی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۷۵).

گروه‌های دوستی که به عنوان الگوهای مرجع برای نوجوانان عمل می‌کنند، می‌توانند معنویت انحرافی را گسترش دهند و به دلیل ضعف اعتقادی اعضای گروه و نیافتن پاسخ‌های مستدلی برای سؤالاتشان، به ترویج افکار و عقاید باطل خود بپردازند.

بنابراین دوستی و برقراری ارتباط با همسالان، هم می‌تواند در بروز رفتارهای معنوی بزهکارانه مؤثر باشد و هم می‌تواند رفتارهای مثبت معنوی را تقویت کند. بسیاری از انحرافات معنوی توسط دوستان، به فرد سرایت می‌کند. هر مقدار رابطه دوستی مستحکم‌تر باشد، در بروز رفتار معنوی فرد تأثیرگذارتر است. برای در امان ماندن از معنویت انحرافی، باید دوستان فرزندان را شناخت و با جهت‌دهی به سمت دوستی‌های سالم، از آسیب‌پذیری فرد جلوگیری کرد. امام علی (علیه السلام) درباره نقش تربیتی بسیار مهم «دوستان» در قبال یکدیگر می‌فرماید: همیشه نصیحت خالصانه‌ات را برای دوست خود آماده ساز؛ شیرین و نیکو باشد یا تلخ و ناراحت‌کننده (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

باید توجه داشت که گروه‌های دوستی، هم می‌تواند ارزش‌های مثبت را به فرد منتقل کند و هم دارای تأثیرات منفی باشد؛ چنان‌که قرآن کریم درباره تأثیر منفی دوستی‌ها می‌فرماید: «و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد [و] می‌گوید "ای کاش با پیامبر (صلی الله علیه و آله) راهی را برمی‌گرفتم؛ ای وای! کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است"» (فرقان: ۲۷-۲۹).

امام علی (علیه السلام) در توصیه به امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: فرزندم! از بهترین بهره‌های انسان، دوست و همنشین صالح است. با نیکوکاران همنشین شو تا از آنان باشی و از بدکاران و اهل شر و کسانی که به واسطه کارهای باطل و سخنان مهیج و ساختگی، تو را از یاد خدا و مرگ باز می‌دارند، دوری کن تا از آنان نباشی» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸). رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید: «حکایت همنشین صالح مثل عطار است که اگر از عطر خود، تو را بهره‌مند نسازد، بوی خوش آن در تو آویزد؛ و حکایت همنشین بد مثل آهنگر است که اگر شرار آتش آن، تو را نسوزاند، بوی بد آن در تو آویزد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۸۳۹). بنابراین توجه به دوست‌یابی‌های جوانان، به‌ویژه در محیط ورزشی، همسایگی و حتی فضای مجازی، عامل مهمی در جهت‌دهی آنان به سمت معنویت درست اسلامی خواهد بود. امروزه فضای دوستی‌ها تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته و از حالت



چهره‌به‌چهره، به سمت دنیای مجازی سوق پیدا کرده است. در فضای مجازی، فرد می‌تواند شخصیت دروغینی از خود به نمایش بگذارد و جوانان و نوجوانان را جذب کند. امکان‌پذیر بودن دورویی و ارائه شخصیت دوگانه در فضای مجازی، می‌تواند یکی از زمینه‌های ایجاد معنویت انحرافی باشد. مدعیان دروغین معنویت نیز از این فضا و ویژگی آن، سوءاستفاده می‌کنند تا به اهداف سودجویانه خود نایل شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «آن‌ها در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند؛... و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست، باخبر است» (آل عمران: ۱۵۴). در فضای مجازی امکان ریاکاری و آراستن ظاهر و ساختن شخصیتی به‌ظاهر معنوی، خوب و هنجارمند، ولی در باطن، بسیار آلوده و زشت وجود دارد. چنین شخصیتی هنجارهای معنوی در اسلام را زیر پا می‌گذارد و از این کار ابایی ندارد.

نحوه کنترل معنویت انحرافی

به مکانیسم‌های جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و انطباق با هنجارهای اجتماعی، «کنترل اجتماعی» گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳). به عقیده دورکیم، از سیری‌ناپذیری طبیعی نوع بشر، چنین برمی‌آید که آرزوهای انسان تنها با نظارت و کنترل اجتماعی می‌تواند مهار شود (کوزر، ۱۳۷۶، ص ۱۹۱).

یکی از مکانیسم‌های اسلام برای کنترل معنویت انحرافی، امر به معروف و نهی از منکر است. در اسلام، کنترل معنویت انحرافی بسیار اهمیت دارد؛ تا جایی که هرگاه هنجارشکنی و معصیت خداوند، علنی صورت پذیرد، هرچند هنجارشکنان اندک باشند و اکثریت مردم، افرادی هنجارمند باشند، ولی نظارت و کنترل را رها کنند، همگی عذاب خواهند شد. (عاملی، ۱۴۳۲، ج ۵، ص ۱۴۰ و ۴۰۷) امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هرگاه مردم در برابر زشت‌کاری‌هایی که در میان‌شان صورت می‌گیرد، دم فرو بندند و آن را تغییر ندهند، زود باشد که خداوند عزوجل کیفر خود را شامل همه سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۰ و ج ۷۸، ص ۱۰۰).

در مواجهه با معنویت انحرافی، در برخی از آیات قرآنی به نظارت و کنترل درونی فرد تأکید شده است: «همانا هرکس مراقب و محافظی دارد» (طارق: ۴) که در قالب تقوا و

پرهیزکاری، ایمان و عمل صالح گنجانده می‌شود. برخی دیگر از آیات به وظایف متولیان اجتماعی مربوط می‌شود که پاسداران مقررات خداوند معرفی شده‌اند و وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند: «و مؤمنان را بشارت ده» (توبه: ۱۱۲) و نیز می‌فرماید: «و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگاران‌اند» (آل عمران: ۱۰۴).

آیات مذکور بیان می‌کند که در جامعه اسلامی، هم باید به خودسازی افراد توجه کرد و معارف و اخلاق اسلامی را فراگیر ساخت و هم به اصلاح اجتماعی پرداخت. نمی‌توان به بهانه اینکه افراد باید خودشان را اصلاح کنند، از اصلاح جامعه صرف نظر کرد و به کنترل معنویت انحرافی نپرداخت. در ذیل به برخی از راه‌های کنترل اشاره می‌شود:

۱) خودکنترلی با تقویت ایمان و اعتقادات مذهبی

خداشناسی و خداگرایی دو عنصر فطری است که در انسان وجود دارد. خداشناسی، تقویت عنصر شناختی در انسان در قبال خالق هستی است؛ و خداگرایی به گرایش انسان به پرستش خدا کمک می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۲۶). در سفارشات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه درباره روابط فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و مانند آن، به این دو عنصر توجه شده است و حضرت می‌فرماید: «رحمت خدا بر کسی که فکر و اندیشه کند و عبرت گیرد و سپس بینا شود و راه تکامل را باز شناسد» (آمدی تمیمی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۲). مفهوم روایت این را می‌رساند که، فکر و اندیشه کند، یعنی خدا را بشناسد و از تفکر در مخلوقات به خالق هستی پی ببرد و اینکه بینا شود و راه تکامل را باز شناسد یعنی گرایش پیدا کند به سوی قرب الی الله که نهایت تکامل انسان است. بنابر این فراگیر کردن معارف الهی و خداشناسی و ارتقای میزان آگاهی مردم نسبت به خدای سبحان سبب می‌شود مسلمانان به راحتی تحت تأثیر تبلیغات معنویت انحرافی قرار نگیرند.

برخی از جامعه‌شناسان همانند اگوست کنت معتقدند معنویت، دارای قدرت است و قدرت معنویت می‌تواند افراد را برای پذیرش ارزش‌های جامعه و وظایفی که به دوش آنان است،



آماده سازد؛ در صورتی که افراد از ارزش‌های معنوی دور شوند، معنویت به آنان یادآوری می‌کند که رفتار خود را کنترل کنند (مندراس، ۱۳۴۹، ص ۱۶۴)؛ زیرا با گسترش معنویت و ارزش‌های آن، گونه‌ای نظارت و کنترل عمومی در جامعه به وجود می‌آید. بنابراین برای رشد و تکامل معنویت اسلامی، باید ایمان و اعتقادات مذهبی را در روابط اجتماعی گسترش داد و از شیوه‌های کنترلی این روش غفلت نورزید.

پیامبران و معصومین علیهم‌السلام با نصیحت کردن، انسان‌ها را هدایت، و از انحرافات معنوی و فکری آنان جلوگیری می‌کردند. «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، مجادله نمای» (نحل: ۱۲۵ و یونس: ۵۷). در زیارات معصومین نیز می‌خوانیم: «شما معصومین با حکمت و موعظه نیکو، مردم را فراخواندید» (قمی ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۴).

بنابراین یکی از راه‌های خودکنترلی، تقویت ایمان و اعتقادات کنشگران اجتماعی است که با روش موعظه حسنه و تشویق افراد به کارهای خیر صورت می‌گیرد. وعده بهشت و تبشیر پیامبران در قرآن، از مصادیق بارز تقویت معنویت و اعتقاد به خدای سبحان است که با تقویت آن، بسیاری از معنویت‌های انحرافی در فرد از بین می‌رود.

۲) توجه به دو قطب سرشت انسانی و تأثیرات محیطی

در بررسی‌های گذشته به عوامل فطری و محیطی بروز معنویت انحرافی از دیدگاه قرآن و حدیث اشاره شد؛ اما برای کنترل و راه‌حل آن باید توجه داشت که آیا انحراف، در ذات و طبیعت شخص وجود دارد یا محیط اجتماعی باعث انحراف افراد می‌شود؟ اندیشمندان مسلمان، هر دو دیدگاه را بیان کرده‌اند؛ یعنی هم ذات و فطرت در بروز رفتار انحرافی مؤثر است و هم محیط اجتماعی ناسالم می‌تواند فرد را به سمت انحرافات سوق دهد. البته این عوامل هیچ‌گاه فرد را به انجام رفتار انحرافی مجبور، و اختیار را از او سلب نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸). به‌هر حال برای جلوگیری از معنویت انحرافی، لازم است هم به اصلاح ذات فرد پرداخت و فضایل اخلاقی وی را تقویت کرد و هم به محیط زندگی افراد توجه کرد تا در دام معنویت انحرافی گرفتار نشوند. خواجه نصیرالدین طوسی به طبع و ذات

انسان در بروز رفتار انحرافی اشاره می‌کند و معتقد است عده‌ای از افراد در جامعه دارای طبع شرور هستند. آن‌ها در صورتی که برای دیگران مزاحمت ایجاد کنند، باید کنترل شوند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵ - ۳۰۷). فارابی بیشتر به نقش فرهنگ و محیط اجتماعی اشاره می‌کند و از گروه‌های منحرف با عنوان نوابت یا علف هرزها یا حیوان صفتان نام می‌برد که ممکن است در جامعه فاضله به وجود آیند یا به صورت جامعه غیرفاضله پدید آید (فارابی، ۱۳۶۶، ص ۸۵ - ۸۷)

در مجموع از نظر اندیشمندان مسلمان، رفتار معنوی انحرافی ممکن است ناشی از محیط و ساختارهای اجتماعی باشد و در مواقعی، از طبع و ذات انسان‌های شرور نیز نشئت می‌گیرد.

۳) غلبه بر شیاطین و هواهای نفسانی

از دیگر راه‌های برون رفت از معنویت انحرافی از منظر اسلامی، ایجاد تنفر قلبی از معنویت انحرافی و ایستادگی در برابر خواهش‌های نفسانی برای رفتن به سوی این عرصه است. در این شیوه، نظارت فرد بر رفتارش نقش مهمی خواهد داشت و عامل بازدارنده‌ای خواهد بود که به سمت معنویت‌های کاذب نرود. خداوند متعال در سوره انعام می‌فرماید: «و چون بینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین» (انعام: ۶۸). امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: برای مؤمن، شایسته نیست در مجلسی نشیند که در آن، خداوند نافرمانی شود؛ در حالی که او بر تغییر آن نافرمانی، ناتوان است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۹).

بنابراین فردی که خود به استقبال انحراف نمی‌رود و در مجالس معنویت‌های انحرافی شرکت نمی‌کند، از این انحراف در امان خواهد ماند و چنین فردی فطرتاً به دنبال معنویتی خواهد بود که از طریق وحی بر پیامبر اسلام نازل شده است. البته شیاطین به گونه‌ای وسوسه می‌کنند و فرد را به انحراف از ارزش‌های اسلامی دعوت



می‌کنند که مقاومت در برابر آن‌ها تنها به کمک الهی امکان‌پذیر است. قرآن کریم به بشر یاد می‌دهد در برابر وسوسه‌های شیطانی، از خدا کمک بگیرد و به او پناه ببرد و می‌فرماید: «و بگو پروردگارا از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ و پروردگارا از اینکه [آن‌ها] نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم» (مؤمنون: ۹۷ و ۹۸). با دوری‌گزینی از دنیاگرایی و هواهای نفسانی، می‌توان به سمت معنویت درست اسلامی حرکت کرد؛ زیرا در نص صریح قرآن بیان شده است که دنیاگرایی جز فریب نیست: «و [به‌هرحال] زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست» (حدید: ۲۰)؛ همچنین در نجواهای خداوند عزوجل با موسی علیه السلام آمده است: ای موسی در دنیا آرزوی دراز نکن که دلت سخت می‌شود و انسان سختدل از من به دور است (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲ ص ۳۲۹).

بنابراین توجه قلبی به حضور خداوند در تمام موقعیت‌ها، سبب می‌شود از شیاطین و از معنویت منحرفانه دور شویم و به سمت معنویت ارزشمند و مثبت در جامعه حرکت کنیم. اصلاح نهادهای اجتماعی^۱ در جامعه اسلامی، از بروز انحرافات اعتقادی و فکری در عرصه معنویت‌خواهی جامعه، جلوگیری می‌کند. خانواده، مدرسه و... را می‌توان جزو نهادهای اجتماعی شمرد. (kuper 1996 p.567). برخی از کارکردهای این نهادها تأثیر زیادی در وظایف سایر نهادها دارد؛ مثلاً در صورتی که نهاد دین و معنویت بر بنیان‌های وحیانی بنا نشده باشد و دین الحادی و غیرابراهیمی در جامعه رواج داشته باشد، به‌طور طبیعی بچه‌ها در مدرسه با ادیان ساختگی مواجه خواهند شد؛ حکومت هم در پرتو این دین بشری، سکولار خواهد بود؛ خانواده نیز در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. بنابراین نقش معنویت و دین در جامعه، بسیار اساسی و عاملی بازدارنده خواهد بود که افراد دچار معنویت انحرافی نگردند.

۱. منظور از نهاد در اینجا معنای اجتماعی آن است؛ یعنی این الگوها در جامعه نهادینه می‌شود؛ وگرنه به لحاظ فلسفی، دین، نهاد اجتماعی تلقی نمی‌شود؛ زیرا منشأ پیدایش آن، وحی است (محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دید گاه قرآن، ص ۳۱۴).

نتیجه‌گیری و تحلیل یافته

منظور از معنویت‌گرایی انحرافی و غیراسلامی در این پژوهش، آن است که انحرافات معنویت‌خواهی یک فرد یا گروه، از نظام ارزش‌های الهی و مثبت جامعه اسلامی تجاوز کند و ارزش‌ها و هنجارهایی پست و عقب‌مانده به وجود آورد. این پدیده در قالب‌های عرفانی کاذب، مسلک‌های شیطان‌محوری یا ورزش‌هایی به‌ظاهر عرفانی مثل یوگا ظاهر می‌شود. از عوامل پیدایش معنویت انحرافی، ضعف در ایمان مذهبی و اعتقادات دینی، و نداشتن شناخت صحیح از خداوند ﷻ است. نداشتن نظارت درونی فرد از سرست خود و اصلاح نکردن محیط اجتماعی نیز دو قطب تأثیرگذار دیگر در معنویت انحرافی هستند. جهل و ناآگاهی درباره معارف دینی هم با ایجاد اختلال در اندیشه فرد، او را به سمت گرایش‌های منحرفانه معنوی سوق می‌دهد و علاوه بر این، موجب نفوذ شیاطین در گرایش فطری فرد به معنویت می‌شود و او را به سمت انحرافات عرفانی و معنوی سوق خواهد داد. در این میان محیط‌های نامناسب خانوادگی و آموزشی و ضعف تربیتی فرزندان نیز بستر لازم را برای گرایش‌های منحرفانه معنوی آن‌ها فراهم می‌کند. البته خانواده می‌تواند فرد را به سمت فطرت پاک معنویت اسلامی نیز سوق دهد و فرزندان را با معنویت دینی اسلامی تربیت کند. علاوه بر این، گروه‌های دوستی در محیط‌های مختلف نیز ممکن است معنویت کاذب و انحرافی را ترویج کنند. در این محیط‌ها هرچه تعداد تماس با دوستانی که معنویت اسلامی دارند، بیشتر باشد، فرد نیز همان رفتار معنوی را بیشتر تکرار خواهد کرد. داشتن یک برنامه منظم معنوی با دوستان، در تثبیت معنویت اسلامی و جلوگیری از معنویت انحرافی نقش بسزایی خواهد داشت.

برای برون‌رفت از معنویت انحرافی، لازم است معنویت درست اسلامی را گسترش داد و عقاید و شناخت مردم را هدایت کرد. علما در این رشد معنوی بسیار تأثیرگذارند و می‌توانند مفاهیم ذهنی و ارزش‌های معنویت اسلامی را تبدیل به نمادهایی کنند که اکثریت جامعه از آن پیروی کنند. همچنین لازم است برای برون‌رفت از معنویت‌گرایی انحرافی، به اصلاح نهادهای اجتماعی از قبیل محیط‌های آموزشی، محیط خانوادگی در جامعه شهری و روستایی پرداخت.



البته یافته‌های دیگری نیز از مطالعه در قرآن و حدیث می‌توان به دست آورد و برای رهایی از معنویت انحرافی از آن‌ها استفاده کرد؛ مثلاً در کنترل معنویت انحرافی، باید پشتکار داشت و با قاطعیت عمل کرد و در شرایط سخت نباید از مبارزه با انحراف، دست برداشت؛ زیرا شیاطین در هر شرایطی فعال خواهند بود. توبیخ و بازخواست معنویت‌گرایان منحرف طبق سیره پیامبر اکرم (ص) و نیز برکناری افراد از پست‌های اداری و حکومتی، از راهکارهای برون‌رفت از معنویت انحرافی شمرده می‌شود.^۱ بنابراین عزل و برکناری فردی که به عرفان‌های کاذب معنوی روی آورده، از مقامی که در جامعه داشته، سبب می‌شود انحرافات در عرصه‌های مختلف معنوی کنترل گردد. تصور کنید چنین فردی اگر در شغل معلمی باشد، عده زیادی از اقشار گوناگون را به معنویت انحرافی خواهد کشاند.

در پایان سخن، به این نکته اشاره می‌شود که در روش این پژوهش، تلاش شده است مدلی از آمیختگی علم و دین نشان داده شود؛ به گونه‌ای که عوامل انحراف معنوی از منظر علمی، مطالعه جامعه‌شناختی و فلسفه دینی شود و هم‌زمان از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن و حدیث، به راهکارهای برون‌رفت از معنویت انحرافی اشاره گردد که نشان از تلفیق علم و دین است.

۱. این یافته‌ها را می‌توان از منابع این پژوهش به دست آورد که شامل: (نهج البلاغه: نامه ۵۳) و (نهج البلاغه: خطبه ۳۷) (عاملی: ۱۴۳۲ق جلد ۱۲: صفحه ۲۰۹ و ۲۱۰ و المقتی الهندی ۱۴۰۹ق جلد ۴ صفحه ۸۹) و (ابی حنیفه: جلد ۲ صفحه ۵۳۲) و (الاحسانی: ۱۴۰۳ق جلد ۲ صفحه ۳۴۳)

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد بهشتی.
۲. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین، ۱۴۱۸ق، فتح الباری بشرح صحیح بخاری، ج ۱۱، بیروت، دارالفکر.
۳. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۳۸۴، عدة الداعی ونجاح الساعی، ترجمه و تحشیه محمد حسین نائینی نوری، تهران، مطبوعات دینی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۷، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۵. ابی حنیفه، نعمان بن محمد، [بی تا]، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام، بیروت، انتشارات المناره.
۶. الاحسانی، محمد بن علی بن ابراهیم، ۱۴۰۳ق، عوالی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، بتحقیق المتبع الحاج مجتبی العراقی، ج ۲، قم، دار سیدالشهدا.
۷. استرآبادی، محمدجعفر بن سیف الدین، ۱۳۸۲، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة [نصیرالدین طوسی]، قم، بوستان کتاب (مکتب الاعلام الاسلامی الحوزة العلمية بقم).
۸. اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۸۱، سلوک علوی، قم، بوستان کتاب.
۹. باقری آستانی، حسین، ۱۳۸۱، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات ساجده.
۱۰. پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۸۷، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، نشر طرح نو.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۸۶، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی ج ۱-۲ ج ۳-۴، تهران، نشر دار الکتاب الاسلامی.
۱۲. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۶، شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا نمط سوم (فی النفس)، تصحیح جواد فاضل بخشایشی، قم، آیت اشراق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۸، شرح حکمت متعالیه: اسفار اربعه، تهران، نشر الزهرا (س).
۱۴. سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۹، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.



۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۷۳، *بحوث فی الملل والنحل*، تلخیص: علی ربانی گلپایگانی، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۷۶، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۷. سعدی، ۱۳۷۷، *گلستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات خوارزمی.
۱۸. شیخاوندی، داور، ۱۳۷۹، *جامعه‌شناسی انحرافات*، *آسیب‌شناسی جامعه‌ی*، تهران، نشر مرندیز.
۱۹. رحیمی، عباس، ۱۳۷۹، *در محضر امیرالمؤمنین*، تهران، نشر بنیاد نهج البلاغه.
۲۰. صداقتی فرد، مجتبی، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی کلیات*، *مفاهیم*، پیشینه، تهران، انتشارات ارسباران.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۸۶، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۳، *الرسائل التوحیدیه*، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. _____، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الاخلاق*، ج ۲، [بی‌جا]، منشورات شریف رضی.
۲۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۸۷، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۴ و ۵ و ۱۲، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۲۷. فارابی، ابونصر محمد، ۱۳۶۶، *السیاسة المدنیة*، تهران، نشر الزهرا.
۲۸. فارابی، محمد بن محمد، ۱۳۶۴، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۹. فرهت قائم‌مقامی، ابوالقاسم، [بی‌تا]، *نظام‌گسیختگی و انحرافات اجتماعی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی رفتار انحرافی)*، تهران، نشر نیلوفر.
۳۰. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۴۸، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، تهران، نشر معارف اسلامی.
۳۱. قاضی، عبدالجبار بن احمد، ۲۰۰۱م، *شرح الاصول الخمسة*، تصحیح احمد بن ابی‌هاشم، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۳۷۸، *عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)*، تهران، نشر جهان.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ق، *الکافی*، ج ۲، ج ۳، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب و دار التعارف.
۳۴. گلابی، سیاوش، ۱۳۷۸، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، نشر میترا.
۳۵. گنجی، حمزه، ۱۳۸۵، *بهداشت روانی*، تهران، انتشارات ارسباران.
۳۶. لیونس، کوزر، ۱۳۷۶، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناختی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۳۷. الممتقی الهندی، علاءالدین، ۱۴۰۹ق، *المرشد الی کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، ج ۴، بیروت، النشر مؤسسة الرسالة.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، ج ۳، ۸، ۲۷، ۶۴، ۷۱، ۷۵، ۷۷ و ۷۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان الحکمه*، ج ۴، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، نشر دارالحديث.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۲، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. _____، ۱۳۶۸، *معارف قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه در راه حق.
۴۲. _____، ۱۳۷۵، *شرح اسفار* [محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی]، قم، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۴۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *امامت و رهبری*، تهران، انتشارات صدرا.
۴۴. مظاهری‌سیف، حمیدرضا، ۱۳۸۵، «*تحلیل حیات طیه از دیدگاه قرآن کریم*»، ماهنامه معرفت، ش ۱۰۹.
۴۵. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۷۲ق، *اوائل المقالات*، تصحیح ابراهیم انصاری زنجانی و دیگران، بیروت، دار المفید.
۴۶. موریارتی، آنتونی، ۱۳۸۹، *روان‌شناسی سانانيسم (شیطان پرستی)*، ترجمه مهدی گنجی، ویرایش حمزه گنجی، تهران، نشر ساوان.
۴۷. وینچ، پیتز، ۱۳۸۶، *ایده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه*، ترجمه زیر نظر سمت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

۴۸. مندراس، هانری و ژرژ گوریچ، ۱۳۸۴، مبانی جامعه‌شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی، ترجمه، باقر پرهام، تهران، نشر امیرکبیر.

49. Giddens, Anthony, 1996, Sociology. Scnd Edition Fully Revised & Updated Polity Press
50. King, M., Speck, P., & Thomas, A., 1994, Spiritual and religious beliefs in acute illness: Is this a feasible area for study? Social Science & Medicine. printed in the United Kingdom
51. kuper Adamy & Jessica Kuper, 1996, The social science encyclopedia
52. Koenig, H. G., 2011, "Definitions," in Spirituality and Health Research: Methods, Measurement, Statistics, and Resources, Templeton Foundation Press, Philadelphia, Pa, USA

